

## تاریخچه نوروز هنگامه صغری



نوروز، جشن شکوهمند ایران باستان، گویای پیشینه تابناک میهن ما و جلوه ای مهم از فرهنگ غنی قوم ایران است.

نوروز که قرن های دراز است بر همه جشن های جهان فخر می فرزند، از آن روست که يك قرارداد مصنوعی اجتماعی و یا يك جشن تحمیلی سیاسی نیست. جشن جهان است و روز شادمانی زمین، آسمان، آفتاب، جوش شگفتنی ها و شور زدن ها و سرشار از هیجان هر آغاز. نوروز گذشت زمان و دگرگونی های دوران را شاهد بوده و پیوسته با آمد و رفت الهام بخش خود پایان فصلی دیگر را به ساکنان این سرزمین کهنسال اعلام کرده است. نوروز، تجدید خاطره بزرگی است. خاطره خویشاوندی انسان با طبیعت. گذشت سال های دراز نه تنها از شکوهمندی سنتهای نوروزی نکاسته بلکه روشنگر این واقعیت بوده که بزرگ داشت نوروز و گرمی داشتن سنتهای آن با احساس و اندیشه ایرانی، پیوند ناگسستنی یافته است.

ابوریحان بیرونی در (التفهیم) در پاسخ به این سوال که: نوروز چیست؟ مینویسد:

« نخستین روز از فروردین ماه است و از این جهت روز نو، نام کردند زیرا که پیشانی سال نو است و آنچه از پس اوست از این پنج روز، همه جشنهاست و ششم فروردین ماه نوروز را بزرگ دارند، زیرا که خسروان بدان پنج روز حق های خشم و گروهان بگزاردندی و حاجت ها روا کردند، آنگاه بدین روز ششم خلوت کردند، خاصگان را و اعتقاد پارسایان اندر نوروز نخستین آنست که اول روزی است از زمانه و بدو فلك آغازید گشتن.»

نوروز نامه منسوب به خیام آمده است که: « سبب نهادن نوروز آن بوده است که چون دانستند که آفتاب را دو دور بوده یکی آن سید و شست و پنج روز و ربعی از به اول دقیقه حمل باز آید، به همان وقت هر روز که رفته بود بدین دقیقه نتواند آمدن چه هر سال از مدت همی کم شود، چون جمشید این دو را دریافت انوروز نام نهاد و جشن آیین آورد. پس از آن پادشاهان دیگر مردمان بدو اقتدار کردند.» ابوریحان در آثار الباقیة، می نویسد: « برخی از علمای ایران می گویند: سبب این که این روز را نوروز می نامند این است که در ایام تهمورث صائبه آشکار شدند و چون جمشید به پادشاهی رسید دین خود را تجدید کرد و این کار خیلی بزرگ به نظر آمد و آن روز را که روز تازه ای بود، جمشید عید گرفت.»

ز کوی یار می آید نسیم باد نوروزی  
از این باد از مدد خواهی چراغ دل برافروزی

چو گل گر خرده ای داری خدا را صرف عشرت کن  
که قارون را غلطها داد سودای زراندوزی

ز جام گل دگر بلبل چنان مست می لعلست  
که زد بر چرخ فیروزه صغیر تخت فیروزی

به صحرا رو که از دامن غبار غم بیفشانی  
به گلزار آی کز بلبل غزل گفتن بیاموزی

(غزلی از حافظ)

## نوروز جشن کهن ایرانی

نوروز یکی از کهن‌ترین جشن‌های به جا مانده از دوران باستان است. خاستگاه نوروز در ایران باستان است و هنوز مردم مناطق مختلف فلات ایران نوروز را جشن می‌گیرند. زمان برگزاری نوروز، در آغاز فصل بهار است. نوروز در ایران و افغانستان آغاز سال نو محسوب می‌شود و در برخی دیگر از کشورها تعطیل رسمی است.



نقشی از جشن چهارشنبه سوری در عمارت چهل ستون عکس از رضا نظر بیگی

بنا به پیشنهاد جمهوری آذربایجان، مجمع عمومی سازمان ملل در نشست ۴ اسفند ۱۳۸۸ (۲۳ فوریه ۲۰۱۰) ۲۱ ماه مارس را به‌عنوان روز جهانی عید نوروز، با ریشه ایرانی به رسمیت شناخت و آن را در تقویم خود جای داد. در متن به تصویب رسیده در مجمع عمومی سازمان ملل، نوروز، جشنی با ریشه ایرانی که قدمتی بیش از ۲ هزار سال دارد و امروزه بیش از ۳۰۰ میلیون نفر آن را جشن می‌گیرند توصیف شده است. پیش از آن در تاریخ ۸ مهر ۱۳۸۸ خورشیدی، نوروز توسط سازمان علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، به عنوان میراث غیر ملموس جهانی، به ثبت جهانی رسیده بود. در ۷ فروردین ۱۳۸۹ نخستین دوره جشن جهانی نوروز در تهران برگزار شد و این شهر به عنوان «دبیرخانه نوروز» شناخته شد.

### زمان نوروز

جشن نوروز از لحظه اعتدال بهاری آغاز می‌شود. در دانش ستاره‌شناسی، اعتدال بهاری یا اعتدال ربیعی در نیمکره شمالی زمین به لحظه‌ای گفته می‌شود که خورشید از صفحه استوای زمین می‌گذرد و به سوی شمال آسمان می‌رود. این لحظه، لحظه اول برج حمل نامیده می‌شود، و در تقویم هجری خورشیدی با نخستین روز (هرمز روز یا اورمزد روز) از ماه فروردین برابر است. نوروز در تقویم میلادی با ۲۱ یا ۲۲ مارس مطابقت دارد. در کشورهایمانند ایران و افغانستان که تقویم هجری شمسی به کار برده می‌شود، نوروز، روز آغاز سال نو است. اما در کشورهای آسیای میانه و قفقاز، تقویم میلادی متداول است و نوروز به عنوان آغاز فصل بهار جشن گرفته می‌شود و روز آغاز سال محسوب نمی‌شود.

### واژه نوروز

واژه نوروز یک اسم مرکب است که از ترکیب دو واژه فارسی «نو» و «روز» به وجود آمده است. این نام در دو معنی به کار می‌رود:

۱) نوروز عام: روز آغاز اعتدال بهاری و آغاز سال نو

۲) نوروز خاص: روز ششم فروردین با نام «روز خرداد»

ایرانیان باستان از نوروز به عنوان ناوا سردا یعنی سال نو یاد می‌کردند. مردمان ایرانی آسیای میانه نیز در زمان سغدیان و خوارزمشاهیان، نوروز را نوسارد و نوسارجی به معنای سال نو می‌نامیدند.

### واژه نوروز در الفبای لاتین

در متن‌های گوناگون لاتین، بخش نخست واژه نوروز با املای Nov، Now، No و Naw و بخش دوم آن با املای Ruz، Rooz و Rouz نوشته شده است. در برخی از مواقع این دو بخش پشت سر هم و در برخی با فاصله نوشته می‌شوند. اما به

باور دکتر احسان یارشاطر بنیان‌گذار دانشنامه ایرانیکا، نگارش این واژه در الفبای لاتین با توجه به قواعد آواشناسی، به شکل NOWRUZ توصیه می‌شود. این شکل از املاک واژه نوروز، هم‌اکنون در نوشته‌های یونسکو و بسیاری از متون سیاسی به کار می‌رود.

### پیشینه نوروز

منشا و زمان پیدایش نوروز، به درستی معلوم نیست. در برخی از متن‌های کهن ایران از جمله شاهنامه فردوسی و تاریخ طبری، جمشید و در برخی دیگر از متن‌ها، کیومرث به‌عنوان پایه‌گذار نوروز معرفی شده است. پدید آوری نوروز در شاهنامه، بدین گونه روایت شده است که جمشید در حال گذشتن از آذربایجان، دستور داد تا در آنجا برای او تختی بگذارند و خودش با تاجی زرین بر روی تخت نشست. با رسیدن نور خورشید به تاج زرین او، جهان نورانی شد و مردم شادمانی کردند و آن روز را روز نو نامیدند.

برخی از روایت‌های تاریخی، آغاز نوروز را به بابلیان نسبت می‌دهد. بر طبق این روایت‌ها، رواج نوروز در ایران به ۵۲۸ سال قبل از میلاد یعنی زمان حمله کوروش بزرگ به بابل بازمی‌گردد. همچنین در برخی از روایت‌ها، از زرتشت به‌عنوان بنیان‌گذار نوروز نام برده شده است. اما در اوستا (دست کم در گاتها) نامی از نوروز برده نشده است.

### نوروز در زمان سلسله هخامنشیان

نگاره مراسم پیشکش هدایا به پادشاه ایران در تخت جمشید. برخی از پژوهشگران، این مراسم را به نوروز مربوط می‌دانند. کوروش دوم بنیان‌گذار هخامنشیان، نوروز را در سال ۵۲۸ قبل از میلاد، جشن ملی اعلام کرد. وی در این روز برنامه‌هایی برای ترفیع سربازان، پاکسازی مکان‌های همگانی و خانه‌های شخصی و بخشش محکومان اجرا می‌نمود. این آیین‌ها در زمان دیگر پادشاهان هخامنشی نیز برگزار می‌شده است. در زمان داریوش یکم، مراسم نوروز در تخت جمشید برگزار می‌شد. البته در سنگ‌نوشته‌های به‌جا مانده از دوران هخامنشیان، به‌طور مستقیم اشاره‌ای به برگزاری نوروز نشده است. اما بررسی‌ها بر روی این سنگ‌نوشته‌ها نشان می‌دهد که مردم در دوران هخامنشیان با جشن‌های نوروز آشنا بوده‌اند، و هخامنشیان نوروز را با شکوه و بزرگی جشن می‌گرفته‌اند. شواهد نشان می‌دهد داریوش اول هخامنشی، به مناسبت نوروز در سال ۴۱۶ قبل از میلاد سکه‌ای از جنس طلا ضرب نمود که در یک سوی آن سربازی در حال تیراندازی نشان داده شده است. در دوران هخامنشی، جشن نوروز در بازه‌ای زمانی میان ۲۱ اسفند تا ۱۹ اردیبهشت برگزار می‌شده است.



نگاره مراسم پیشکش هدایا به پادشاه ایران در تخت جمشید

در زمان اشکانیان و ساسانیان نیز نوروز گرمی داشته می‌شد. در این دوران، جشن‌های متعددی در طول یک سال برگزار می‌شد که مهمترین آنها نوروز و مهرگان بوده است. برگزاری جشن نوروز در دوران ساسانیان چند روز (دست کم شش روز) طول می‌کشید و به دو دوره نوروز کوچک و نوروز بزرگ تقسیم می‌شد. نوروز کوچک یا نوروز عامه پنج روز بود و از یکم تا پنجم فروردین گرمی داشته می‌شد و روز ششم فروردین (خرداد روز)، جشن نوروز بزرگ یا نوروز خاصه برپا می‌شد. در هر یک از روزهای نوروز عامه، طبقه‌ای از طبقات مردم (دهقانان، روحانیان، سپاهیان، پیشه‌وران و اشراف) به دیدار شاه می‌آمدند و شاه به سخنان آنها گوش می‌داد و برای حل مشکلات آنها دستور صادر می‌کرد. در روز ششم، شاه حق طبقات گوناگون مردم را ادا کرده بود و در این روز، تنها نزدیکان شاه به حضور وی می‌آمدند.

شواهدی وجود دارد که در دوران ساسانی سال‌های کیبسه رعایت نمی‌شده است. بنابراین نوروز هر چهار سال، یک روز از موعد اصلی خود (آغاز برج حمل) عقب می‌ماند و در نتیجه زمان نوروز در این دوران همواره ثابت نبوده و در فصل‌های گوناگون سال جاری بوده است. اردشیر بابکان، بنیان‌گذار سلسله ساسانیان، در سال ۲۳۰ میلادی از دولت روم که از وی شکست خورده بود، خواست که نوروز را در این کشور به رسمیت بشناسند. این درخواست مورد پذیرش سنای روم قرار گرفت و نوروز در قلمرو روم به Lupercal معروف شد.

در دوران ساسانیان، ۲۵ روز پیش از آغاز بهار، در دوازده ستون که از خشت خام برپا می‌کردند، انواع حبوبات و غلات (برنج، گندم، جو، نخود، ارزن، و لوبیا) را می‌کاشتند و تا روز شانزدهم فروردین آنها را جمع نمی‌کردند. هر کدام از این گیاهان که بارورتر شود، در آن سال محصول بهتری خواهد داد. در این دوران همچنین متداول بود که در بامداد نوروز، مردم به یکدیگر آب بپاشند. از زمان هرمز اول مرسوم شد که مردم در شب نوروز آتش روشن نمایند. همچنین از زمان هرمز دوم، رسم دادن سکه در نوروز به عنوان عیدی متداول شد.

### نوروز پس از اسلام



نقشی از جشن چهارشنبه سوری در عمارت چهل ستون از برگزاری آیین‌های نوروز در زمان امویان نشانه‌ای در دست نیست و در زمان عباسیان نیز به نظر می‌رسد که خلفا گاهی برای پذیرش هدایای مردمی، از نوروز استقبال می‌کرده‌اند. با روی کار آمدن سلسله‌های سامانیان و آل بویه، جشن نوروز با گستردگی بیشتری برگزار شد.

در دوران سلجوقیان، به دستور جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی تعدادی از ستاره شناسان ایرانی از جمله خیام برای بهترسازی گاهشمار ایرانی گرد هم آمدند. این گروه، نوروز را در یکم بهار قرار دادند و جایگاه آن را ثابت نمودند. بر اساس این گاهشمار که به تقویم جلالی معروف شد، برای ثابت ماندن نوروز در آغاز بهار، مقرر شد که هر چهار سال یک‌بار، تعداد روزهای سال را (به‌جای ۳۶۵ روز)، برابر با ۳۶۶ روز در نظر بگیرند. طبق این قاعده، می‌بایست پس از انجام این کار در ۷ دوره، در دوره هشتم، به جای سال چهارم، بر سال پنجم یک روز بیفزایند. این گاهشمار از سال ۳۹۲ هجری آغاز شد.

نوروز در دوران صفویان نیز برگزار می‌شد. در سال ۱۵۹۷ میلادی، شاه عباس صفوی مراسم نوروز را در عمارت نقش جهان اصفهان برگزار نمود و این شهر را پایتخت همیشگی ایران اعلام نمود.

### نوروز در دوران معاصر



نوروز به عنوان یک میراث فرهنگی در دوران معاصر همواره مورد توجه مردم قرار داشته و هر ساله برگزار می‌شود. البته برگزاری جشن نوروز به صورت آشکار در برخی از کشورها توسط برخی حکومت‌ها برای مدت زمانی ممنوع بوده است. حکومت شوروی برگزاری جشن نوروز را در برخی از کشورهای آسیای میانه مانند ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان ممنوع کرده بود و این ممنوعیت تا زمان میخائیل گورباچف ادامه داشت. با این وجود، مردم این مناطق نوروز را به‌گونه پنهانی و یا در روستاها جشن می‌گرفته‌اند. همچنین برخی از مردم این مناطق برای جلب موافقت مقامات محلی نام دیگری بر روی نوروز می‌گذاشتند؛ به‌طور مثال در تاجیکستان، مردم با اتلاق جشن لاله یا جشن ۸ مارس سعی

می‌کردند که آیین‌های نوروز را بی مخالفت مقامات دولتی به جای آورند. همچنین در افغانستان، در دوران حکومت طالبان، برگزاری جشن نوروز ممنوع بود و این حکومت تنها تقویم هجری قمری را به رسمیت می‌شناخت.

### جغرافیای نوروز

منطقه‌ای که در آن جشن نوروز برگزار می‌شد، امروزه شامل چند کشور می‌شود و همچنان در این کشورها جشن گرفته می‌شود. برخی آیین‌های نوروز در این کشورها با هم متفاوت‌اند. مثلاً در افغانستان سفره هفت میوه می‌چینند؛ اما در ایران سفره هفت سین می‌اندازند.

جغرافیای نوروز با نام نوروز یا مشابه آن، سراسر خاورمیانه، بالکان، قزاقستان، تاتارستان، در آسیای میانه چین شرقی (ترکستان چین)، سودان، زنگبار، در آسیای کوچک سراسر قفقاز تا آستراخان و نیز آمریکای شمالی، هندوستان، پاکستان، بنگلادش، بوتان، نپال و تبت را شامل می‌شود. همچنین کشورهایمانند مصر و چین جزو سرزمین‌هایی نیستند که در آنها نوروز جشن گرفته می‌شد، اما امروزه جشن‌هایی مشابه جشن نوروز در این کشورها برگزار می‌شود.

در تاریخ ۳۰ مارس ۲۰۰۹ (۱۰ فروردین ۱۳۸۸)، پارلمان فدرال کانادا، اولین روز بهار هر سال را به عنوان نوروز ( Nowruz Day)، عید ملی ایرانیان و بسیاری اقوام دیگر نامگذاری کرد.

در تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۱۰ سازمان ملل متحد با تصویب یک قطعنامه در مقر سازمان در نیویورک، عید نوروز را به عنوان روز بین‌المللی نوروز و فرهنگ صلح در جهان به رسمیت شناخت.

## آیین‌های مرتبط با جشن نوروز

### خانه‌تکانی

خانه‌تکانی یکی از آیین‌های نوروزی است که مردم بیشتر مناطقی که نوروز را جشن می‌گیرند به آن پایبندند. در این آیین، تمام خانه و وسایل آن در آستانه نوروز گردگیری، شستشو و تمیز می‌شوند. این آیین در کشورهای مختلف از جمله ایران، تاجیکستان و افغانستان برگزار می‌شود.

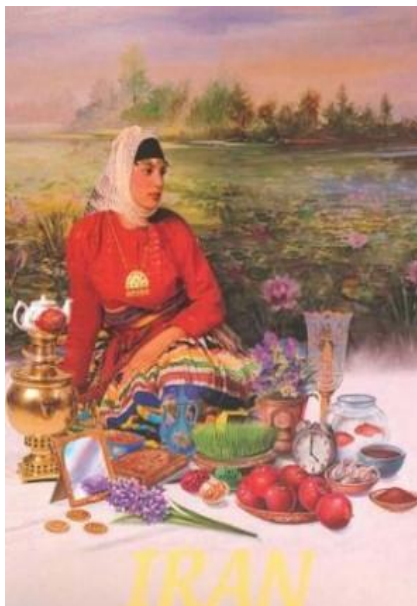
### آتش‌افروزی

برگزاری مراسم آتش‌افروزی در میان کردها در شهر استانبول، ترکیه رسم افروختن آتش، از زمان‌های کهن در مناطق نوروز متداول شده است. در ایران، جمهوری آذربایجان و بخش‌هایی از افغانستان، این رسم به صورت روشن کردن آتش در شب آخرین چهارشنبه سال متداول است. این مراسم چهارشنبه‌سوری نام دارد. پریدن از روی آتش در ایام نوروز در ترکمنستان نیز رایج است. همچنین رسم افروختن آتش در بامداد نوروز بر پشت بام‌ها در میان برخی از زرتشتیان (از جمله در برخی از روستاهای یزد در ایران) مرسوم است. در سال‌های نه چندان دور مردم به تپه‌ها و دشت‌های اطراف رفته و با جمع کردن بوته‌های خار آن را به محله خود آورده و در غروب آفتاب هفت کپه کوچک درست می‌کردند و ظرف چند دقیقه همه همسایه‌ها از روی آن می‌پریدند ولی متأسفانه در سال‌های اخیر این آیین شاد و بی‌خطر تبدیل به میدان جنگی شده با سر و صداهای ناهنجار انفجار نارنجک‌ها و خطرات و مزاحمت برای مردم که جای بسی تأسف دارد و همه ساله از چند روز قبل از چهارشنبه سوری آسایش را از مردم سلب می‌نماید.



### سفره‌های نوروزی

سفره هفت سین از سفره‌های نوروزی است که در ایران، جمهوری آذربایجان و برخی از نقاط افغانستان رایج است. سفره‌های نوروزی یکی از آیین‌های مشترک در مراسم نوروز در بین مردمی است که نوروز را جشن می‌گیرند. در بسیاری از نقاط ایران، جمهوری آذربایجان و برخی از نقاط افغانستان، سفره هفت سین پهن می‌شود. در این سفره هفت چیز قرار می‌گیرد که با حرف سین آغاز شده باشد؛ مثل سرکه، سنجد، سمنو، سیب و... پهن کرد سفره هفت سین در ایران آداب و رسوم خاصی دارد. روی سفره آینه می‌گذارند که نشانه روشنایی، شمع که نشانه نورو درخشش، یک کاسه آب که نشانه پاکی می‌باشد، برای زیبایی سفره از سنبل استفاده می‌کنند و این جزء سین‌های هفت سین به حساب نمی‌آید. برای تزئین سفره از تخم مرغ رنگ شده استفاده می‌شود. بعد از ورود ماهی قرمز از چین به ایران از این ماهی‌های کوچک جهت زیبایی سفره هفت سین استفاده می‌شود همچنین بعد از ورود اسلام به ایران کتاب قرآن نیز بر روی سفره قرارداد می‌شود. تمامی هفت سینی که چیده می‌شود یک معنی خاص را نیز به همراه دارند. مثلاً سیب نماد زیبایی و تن درستی است؛ سنجد به روایتی نماد عشق و محبت است؛ سبزه سرسبزی زندگی؛ سمنو برکت؛ سکه رزق و روزی؛ و سیر سمبل شفا و سلامتی است. در کابل و شهرهای شمالی افغانستان، سفره هفت میوه متداول است. در این سفره، هفت میوه قرار می‌گیرد، از جمله؛ کشمش سبز و سرخ، چارمغز، بادام، پسته، زردآلو و سنجد. چیدن سفره‌ای مشابه با استفاده از میوه خشک شده، در بین شیعیان پاکستان هم مرسوم است. علاوه بر این، سفره هفت شین در میان زرتشتیان، و سفره هفت میم در برخی نقاط واقع در استان فارس در ایران متداول است.



در جمهوری آذربایجان نیز بدون توجه به عدد هفت، بر روی سفره‌های نوروزی خود، آجیل قرار می‌دهند.

## غذاهای نوروزی

یکی از متداولترین غذاهایی که به مناسبت نوروز پخته می‌شود، سمنو (سمنک، سومنک، سوملک، سمنی، سمنه) است. این غذا با استفاده از جوانه گندم تهیه می‌شود. در بیشتر کشورهای که نوروز را جشن می‌گیرند، این غذا طبخ می‌شود. در برخی از کشورها، پختن این غذا با آیین‌های خاصی همراه است. زنان و دختران در مناطق مختلف ایران، افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان سمنو را به‌صورت دسته‌جمعی و گاه در طول شب می‌پزند و در هنگام پختن آن سرودهای مخصوصی می‌خوانند.

پختن غذاهای دیگر نیز در نوروز مرسوم است. به‌طور مثال در بخش‌هایی از ایران؛ سبزی پلو با ماهی، در ترکمنستان؛ نوروزنامه، در قزاقستان؛ اویقی آش، در بخارا؛ انواع سمبوسه پخته می‌شود. به‌طور کلی پختن غذاهای نوروزی در هر منطقه‌ای که نوروز جشن گرفته می‌شود مرسوم است و هر منطقه‌ای غذاها و شیرینی‌های مخصوص به خود را دارد.

## دید و بازدید نوروزی

دید و بازدید عید یا عید دیدنی یکی از سنت‌های نوروزی است که در بیشتر کشورهای که آن را جشن می‌گیرند، متداول است. در برخی از مناطق، یاد کردن از گذشتگان و حاضر شدن بر مزار آنان در نوروز نیز رایج است.

## سیزده بدر یا طبیعت گردی

مردم ایران روز سیزدهم فروردین، به مکان‌های طبیعی مانند پارک‌ها، باغ‌ها، جنگل‌ها و ماطق خارج از شهر می‌روند. این مراسم سیزده‌بدر نام دارد. از کارهای رایج در این جشن، گره زدن سبزه و گفتن دروغ سیزده است. مراسم سیزده‌بدر در مناطق غربی افغانستان از جمله شهر هرات نیز برگزار می‌شود. با وجودی که روز سیزدهم فروردین در کشور افغانستان جزو تعطیلات رسمی نیست، اما مردم این مناطق برای گردش در طبیعت، عملاً کسب و کار خود را تعطیل می‌کنند. مردم این منطقه همچنین اولین چهارشنبه سال را نیز با گردش در طبیعت سپری می‌کنند. علاوه بر این، ساکنان کابل در افغانستان، در طول دو هفته اول سال برای گردش به همراه خانواده به مناطقی که در آنها گل ارغوان می‌روید، می‌روند.

یکی دیگر از آیین‌های نوروز که در آسیای میانه و کشور تاجیکستان مرسوم است، مراسم گل‌گردانی و بلبل‌خوانی است. گل‌گردان‌ها از دره و تپه و دامنه کوه‌ها، گل چیده و اهل دهستان خود را از پایان یافتن زمستان و فرا رسیدن عروس سال و آغاز کشت و کار بهاری و آمدن نوروز مژده می‌دهند.

## جشن جهانی نوروز

در ۷ فروردین ۱۳۸۹ نخستین دوره جشن جهانی نوروز در تهران برگزار شد و این شهر به عنوان «دبیرخانه نوروز» شناخته شد. در این جشن، سران کشورهای که نوروز را جشن می‌گیرند گردهم می‌آیند و این آیین باستانی را گرمی می‌دارند. هر ساله یکی از این کشورها، میزبان جشن جهانی نوروز است.

## تاریخچه چهارشنبه سوری

چهارشنبه‌سوری نام جشنی است که تغییر یافته مراسم باستانی پنج روز آخر سال به نام پنجه دزدیده یا اندرگاه است. این جشن برگرفته از آیین زرتشتی است که ایرانیان از ۱۷۰۰ سال پیش از میلاد تاکنون در پنج روز آخر هر سال، آن را با برافروختن آتش و جشن و شادی در کنار آن برگزار می‌کنند.

در گاه‌شماری زرتشتی یک سال شامل ۳۶۵ روز یا ۱۲ ماه است که هر کدام دقیقاً ۳۰ روز بوده و ۵ روز انتهایی سال جدا از ماه‌ها به حساب می‌آمده و «پنجه» نامیده می‌شود که البته در هر ۴ سال یک بار ۶ روز می‌شود. در این گاه‌شمار روزی به عنوان چهارشنبه و به طور کلی ۷ روز هفته وجود ندارد بلکه ۳۰ روز ماه و ۵ روز انتهای سال هرکدام با نام خاصی نام‌گذاری می‌شود. ایرانیان قبل حمله تازیان این ۵ روز آخر سال را با روشن کردن آتش جشن می‌گرفتند و بر این اعتقاد بودند که در این ۵ روز ارواح درگذشتگان به زمین سفر می‌کنند و با همراه خانواده‌هایشان و برای آنها برکت، دوستی و پاکی در سال آینده طلب خواهند کرد ولی بعد از حمله تازیان به دلیل مخالفت‌های آن روزگار در برپایی این مراسم ایرانیان روز چهارشنبه را که نزد اعراب نحس بوده را انتخاب کردند و آتش افروزی در این روز را با نحسی آن روز توجیه کردند.

در شاهنامه فردوسی اشاره‌هایی درباره بزم چهارشنبه‌ای در نزدیکی نوروز وجود دارد که نشان دهنده کهن بودن این جشن است. مراسم سنتی مربوط به این جشن ملی، از دیرباز در فرهنگ سنتی مردمان ایران زنده نگاه داشته شده است.

واژه «چهارشنبه‌سوری» از دو واژه چهارشنبه که نام یکی از روزهای هفته است و سوری که به معنی سرخ است ساخته شده است. آتش بزرگی تا صبح زود و برآمدن خورشید روشن نگه داشته می‌شود که این آتش معمولاً در بعد از ظهر زمانی که مردم آتش روشن می‌کنند و از آن می‌پرند آغاز می‌شود و در زمان پریدن می‌خوانند: «زردی من از تو،

سرخی تو از من» در واقع این جمله نشانگر یک تطهیر و پاک‌سازی مذهبی است که واژه «سوری» به معنی «سرخ» به آن اشاره دارد. به بیان دیگر شما خواهان آن هستید که آتش تمام رنگ پریدگی و زردی، بیماری و مشکلات شما را بگیرد و بجای آن سرخی و گرمی و نیرو به شما بدهد. چهارشنبه‌سوری جشنی نیست که وابسته به دین افراد باشد و در میان پارسیان یهودی و مسلمان، ارمنی‌ها، ترک‌ها، کردها و زرتشتی‌ها رواج دارد. در حقیقت این جشن و نقش بارز آتش در آن به علت احترام گذاشتن به دین زرتشتی است.

البته مراسمی که امروزه برپا می‌شود به طوری کلی متفاوت با آن روزگار است چون از نظر زرتشتیان آتش نماد مقدسی است و پریدن از روی آن به نوعی بی‌احترامی به آن نماد تلقی می‌شود. جشن آتش در واقع پیش درآمد جشن نوروز است که نوید دهنده رسیدن بهار و تازه شدن طبیعت است.

#### پیشینه

تصویری از یکی از دیوار نگاره‌های چهل‌ستون، متعلق به دوران صفویه که جشن و پایکوبی ایرانیان را در شب چهارشنبه‌سوری به تصویر کشیده است. جشن «سور» از گذشته بسیار دور در ایران مرسوم بوده است که جشنی ملی و مردمی است و «چهارشنبه سوری» نام گرفته است که طلایه‌دار نوروز است. [منبع دقیق نیست جشن سوری در ایران قدیم در یکی از ۵ روز آخر اسفندماه بر پا می‌گشت، چرا که ایرانیان شنبه و آدینه نداشتند و ماه را به هفته‌ها تقسیم نمی‌کردند؛ بلکه قبل از ورود اسلام به ایران هر سال ۱۲ ماه، و هر ماه ۳۰ روز بود که هر کدام از این ۳۰ روز نام مشخصی داشته است که به نام یکی از فرشتگان خوانده می‌شد. چون هرمزد روز، بهمن روز، اردی بهشت روز و غیره که پس از ورود اسلام به ایران تقسیمات هفته نیز به آن افزوده شد.

مختار ثقفی برای خونخواهی از عاملین واقعه کربلا، در شهر کوفه که بیشتر آنان ایرانی بوده‌اند از این فرصت سود برد و در زمان همین جشن که مصادف با چهارشنبه بود بسیاری از آنان را قصاص کرد.

#### برخی آیین‌های چهارشنبه سوری

سال نو - کوزه نوایرانیان در شب چهارشنبه سوری کوزه‌های سفالی کهنه را بالای بام خانه برده، به‌زیر افکنده و آن‌ها را می‌شکستند و کوزه نوپی را جایگزین می‌ساختند. که این رسم اکنون نیز در برخی از مناطق ایران معمول است و بر این باورند که در طول سال بلاها و قضاها بد در کوزه متراکم می‌گردد که با شکستن کوزه، آن بلاها دور خواهد شد.

#### آجیل مشک‌گشای، چهارشنبه سوری

در گذشته پس از پایان آتش‌افروزی، اهل خانه و خویشاوندان گرد هم می‌آمدند و آخرین دانه‌های نباتی مانند: تخم هندوانه، تخم کدو، پسته، فندق، بادام، نخود، تخم خربزه، گندم و شاهدانه را که از ذخیره زمستان باقی مانده بود، روی آتش مقدس بو داده و با نمک تیرک می‌کردند و می‌خوردند. آنان بر این باور بودند که هر کس از این معجون بخورد، نسبت به افراد دیگر مهربان‌تر می‌گردد و کینه و رشک از وی دور می‌گردد. امروزه اصطلاح نمک‌گیرشدن و نان و نمک کسی را خوردن و در حق وی خیانت نوزیدن، از همین باور سرچشمه گرفته است.

یکی از مراسم قابل توجه در شب چهارشنبه سوری و سایر مراسم زرتشتیان، فراهم آوردن آجیل مشکل گشاست. زرتشتیان به این آجیل هفت مغزینه لرك می‌گویند. این آجیل که به آجیل گهنبار هم معروف است شامل هفت مغزینه یا میوه خشک است: پسته، بادام، سنجد، کشمش، گردو، انجیر و خرما که گاهی در لابه‌لای این آجیل تکه‌های کوچک نبات و نارگیل هم دیده می‌شود. این آجیل در مراسم مختلف زرتشتیان از جمله: آفرین گان‌ها، گهنبارها، جشن‌خوانی، جشن‌نوزادی و در مراسم سدره پوشی و سایر اعیاد به مدعوین داده می‌شود.

#### فال گوشه

فال‌گوشی و گره‌گشایی یکی از رسم‌های چهارشنبه‌سوری است که در آن دختران جوان نیت می‌کنند، پشت دیواری می‌ایستند و به سخن رهگذران گوش فرامی‌دهند و سپس با تفسیر این سخنان پاسخ نیت خود را می‌گیرند.

#### قاشق‌زنی

در این رسم دختران و پسران جوان، چادری بر سر و روی خود می‌کشند تا شناخته نشوند و به در خانه دوستان و همسایگان خود می‌روند. صاحبخانه از صدای قاشق‌هایی که به کاسه‌ها می‌خورد به در خانه آمده و به کاسه‌های آنان آجیل چهارشنبه‌سوری، شیرینی، شکلات، نقل و پول می‌ریزد. دختران نیز امیدوارند زودتر به خانه بخت بروند.

#### شال انداختن

شال‌اندازی از دیگر مراسم شب سوری است که تاکنون اعتبار خود را در شهرها و روستاهای همدان و زنجان حفظ کرده است. پس از خاموشی آتش و کوزه‌شکستن و فال‌گوشی و گره‌گشایی و قاشق‌زنی جوانان نوبت به شال‌اندازی می‌رسد. جوانان چندین دستمال حریر و ابریشمی را به یکدیگر گره زده، از آن طنابی رنگین به بلندی سه متر

می‌ساختند. آنگاه از راه پلکان خانه‌ها یا از روی دیوار، آنرا از روزنه دودکش وارد منزل می‌کنند و یک سر آن را خود در بالای بام در دست می‌گرفتند، آنگاه با چند سرفه بلند صاحبخانه را متوجه ورودشان می‌سازند. صاحبخانه که منتظر آویختن چنین شال‌هایی هستند، به محض مشاهده طناب رنگین، آنچه قبلاً آماده کرده، در گوشه شال می‌ریزند و گره‌ای بر آن زده، با یک تکان ملایم، صاحب شال را آگاه می‌سازند که هدیه سوری آماده‌است. آنگاه شال‌انداز شال را بالا می‌کشد. آنچه در شال است هم هدیه چهارشنبه سوری است و هم فال. اگر هدیه نان باشد آن نشانه نعمت است، اگر شیرینی نشانه شیرین کامی و شادمانی، انار نشانه کسرت اولاد در آینده و گردو نشان طول عمر، بادام و فندق نشانه استقامت و بردباری در برابر دشواری‌ها، کشمش نشانه پربابی و پربارانی سال نو و اگر سکه نقره باشد نشانه سپیدبختی است .

#### پیشینه آتش در فرهنگ ایرانی

مطابق برخی مستندات و شواهد تاریخی، آب و آتش در نزد ایرانیان جایگاه والایی داشته است. هرودوت می‌گوید: «پارسها معتقدند که آتش از جوهر الهی است.» یعقوبی نیز، در قرن سوم هجری، نوشته است: «ایرانیان معتقد به کیش زردشت بر این بودند که روشنی، قدیم و ازلی است، و آن را زروان مینامند... ایرانیان آتش را بزرگ می‌داشتند.» مسعودی (متوفی ۲۴۶) می‌گوید: «نخستین کسی که آتشکده ساخت فریدون بود. به پندار ایرانیان، آتش واسطه میان خدا و مخلوق است... و گفته‌اند که نور مایه اصلاح جهان است، و آتش نسبت به ظلمت شرف و تضاد دارد؛ و آب که برآتش غلبه دارد، مایه هر چیز زنده و مبداء همه چیزهای نم‌کننده است.» همو، به تفاوت آتش با نور، و اضداد و مراتب نور اشاره کرده است.

داستان جمشید و ضحاک را فردوسی به تفصیل و برخی مورخان به اختصار، نقل کرده‌اند. جمشید، که ابتدای امر با عدل و دادگستری و نوآوری‌های بسیار، جامعه بشری را به سوی کمال برد، و نوروز یادگار عصر دادگری اوست. جمشید عاقبت مغلوب اهریمن غرور گردید، ضحاک او را از پای درآورد. بلعمی مینویسد: «این ضحاک را ازدها برای آن گفتندی که بر کتف او دو پاره گوشت بود بزرگ، بر رشته دراز، و سر آن به کردار ماری بود... و به ایام هیچ ملک چندان خون ریخته نشد که به ایام ضحاک. به روایت مسکویه رازی، آن دو پاره گوشت را ضحاک چون دو دست خویش می‌چنبانید و میگفت که دو مارند، تا فرودستان و نابخردان به‌راسند!» مطابق روایت این بلخی، آن زائدهای گوشتین هر روز دردناکتر میشد و تنها با مالیدن مغز سر جوانان بر روی آنها، ضحاک آرام میگرفت. در واقع، ضحاک نه تنها جانها را تباه می‌ساخت، بلکه، با انهدام مغزها، تیشه به ریشه اندیشه میزد، و با مهار کردن خرد، جهل را می‌گسترانید. سرانجام، فریدون بر ضحاک پیروز شد، و فرمود تا آن روز جشنی سازند، و مهرجان آن روز ساختند... پس سیرتی نهاد در عدل و انصاف که از آن پسندیده‌تر نباشد. طبق روایت بلعمی، روز پیروزی فریدون بر ضحاک «مهرروز بود از ماه مهر آن روز مهرگان نام کردند، و عیدی کردند بزرگ.» اسدی طوسی نیز از آیین و مراسم آراستن آتش در این روز سخن گفته است، وقتی فریدون بر ضحاک پیروز میشود: «چو در برج شاهین شد از خوشه مهر نشست او به شاهی سر ماه مهر بدین جشن وی آتش آراستست هم آیین این جشن از و ساختست.»

#### منابع :

سایت ویکی پدیا